

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۰۱۹۸۰۴۴۰ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۵ تیر ۱۴۰۲ • ۱۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۶ ژوئن ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۹۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۹:۴۵
اذان صبح فردا ۳:۱۰ • طلوع آفتاب ۴:۵۵

# شترق

دیالوگ روز

**راه کارلیتو - برایان دی‌پالما-۱۹۹۳**

کارلیتو بریکاتته (آل پاچینو):

لطف می‌تونه آدمو سریع‌تر از گلوله بکُشه.

وانمودکردن به دوست داشتن کسی که دوستش نداری از وانمودکردن

به دوست نداشتن کسی که دوستش داری، سخت‌تره.

# اعتراف در دفترخانه



**مرتضی قریباغی**

**سردفتر اسناد رسمی**

هر «اعترافی» یک داستان است؛ داستانی که گاهی یقه‌تورا می‌گیرد و از تو می‌خواهد به آن فکر کنی.
فرقی هم نمی‌کند آن اعتراف از روی اجبار باشد یا از روی اختیار، راست باشد یا دروغ. یکی از این اعتراف‌های تاریخی که جهان را تکان داد، مربوط به کشتار جنگل کاتین است؛ اتحاد جماهیر شوروی سابق بعد از ۵۰ سال اعتراف کرد ۲۲ هزار زندانی لهستانی را در جنگ جهانی دوم به قتل رسانده است؛ جنایتی که ماشین تبلیغاتی حکومت کمونیستی ده‌ها سال تلاش کرد آن را پنهان کند.
یا وقتی دولت‌های آمریکا و انگلیس بعد از سال‌ها اعتراف کردند حق تعیین سرنوشت مردم ایران را زیر پا گذاشته‌اند و در برکناری دکتر مصدق نقش داشته‌اند. گاهی هم متفکری داستان زندگی یا جهان‌بینی‌اش را در قالب اعتراف روایت می‌کند.
اعتراف در این معنا فقط حدیث نفس نیست، نوعی فلسفه‌ورزی است؛ همان‌طور که آگوستین قدیس، ژان ژاک روسو و لئو تولستوی با این عنوان کتاب نوشتند و اندیشه‌های فلسفی‌شان را تبیین کردند.
در این روش نویسنده می‌خواهد به مخاطب تلنگر بزند که انسان با تمام ضعف‌ها و مشکلاتی که دارد، می‌تواند به سمت روشنایی و حقیقت برود. الکساندر سولژیتسین، نویسنده

کتاب مجمع‌الجزایر گولاک، معتقد بود برهیز از اعتراف دروغ، ساده‌تران راه برای رسیدن به آزادی است. او از هم‌وطنانش می‌خواست چیزی را که دروغ می‌دانند، برنابند. اما مسئله اعتراف چه ارتباطی به دفاتر اسناد رسمی دارد؟ برخی دفاتر اسناد رسمی در اسنادی مانند اقرارنامه اصرار دارند دو واژه اقرار و اعتراف را همچون دوقلوهای به‌هم‌چسبیده در کنار هم بیاورند؛ بدون آنکه کسی از خودش بی‌رسد نیاز به گرفتن اعتراف در اسناد رسمی از کجا می‌آید؟ در علم منطق، رابطه دو مفهوم کلی از حیث صدق و انطباق از چهار حالت خارج نیست که این چهار حالت با نظر به مصادیق آن دو مفهوم کلی، عبارت‌اند از تساوی، تباین، عموم خصوص مطلق و عموم خصوص من‌وجه. اگر نسبت دو مفهوم «اقرار» و «اعتراف» را تساوی در نظر بگیریم، یقیناً آوردن دو کلمه مترادف در یک جمله، حشو یا تطویل است و ادبا آن را نمی‌پسندند و اگر نسبت این دو را تباین بدانیم که اساسا در این حالت جمله فاقد معنا خواهد بود؛ چراکه منطقی به نظر نمی‌رسد ما گزاره واحدی را هم‌زمان تصدیق و تکذیب کنیم. اگر رابطه این دو کلمه را «عموم خصوص من‌وجه» یا «عموم خصوص مطلق» بدانیم، آن‌وقت باید دلیل بیاوریم که وقوع اقرار همراه اعتراف صحیح است و بدون آن باطل.
درصورتی‌که در قوانین ما الفاظ اقرار، طریقت دارند نه موضوعیت؛ مثلاً در ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی و ماده ۱۶۴ و ماده ۱۶۶ قانون مجازات اسلامی و همچنین در مواد ۲۰۲ و ۲۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری، وقوع اقرار با هر لفظ یا عملی که



• با تکمیل احداث مسیررفت آزادراه تهران-شمال به طول ۱۵/۵ کیلومتر، ۵ کیلومتر از مسیر تهران به شمال به نسبت جاده جالوس کم شده و با حذف بیج و خم‌های جالوس و تونل کندوان زمان تردد مسافران ۳۰ دقیقه کاهش می‌یابد.
عکس:محمدحسین صنعت‌کار/فارس

دلالت بر آن کند، صحیح است و نیاز به بیان لفظ یا الفاظ خاصی نیست. واقعیت این است که قوانین فعلی کشورمان با الهام از فقه امامیه، حجیت و اعتبار اقرار را منوط به کاشفیت آن از واقع می‌دانند، نه بیان صیغه یا لفظ معینی. شهید اول مشهور به افقه‌الفقها در کتاب لمعه می‌نویسد اقرار با هر کلمه و با هر زبانی ممکن است و حتی با صراحت می‌گوید: «لو اقر تلفظ مبهم صحح و الزم بتفسیره»؛ یعنی اگر اقرار با الفاظ مبهم نیز بیان شود، صحیح است، فقط مفر ملزم می‌شود که آن را تفسیر و ابهام آن را رفع کند.
ماده ۱۲۶۱ قانون مدنی یک قدم فراتر رفته و وقوع اقرار به اشاره را نیز به صراحت پذیرفته است. ماده مزبور اشعار می‌دارد اشاره شخص لال که صریحاً حاکی از اقرار باشد، صحیح است. بر این اساس باید گفت بافشاری برخی از دفاتر اسناد رسمی برای به‌کاربردن واژه «اعتراف» در اسناد رسمی، به‌ویژه در سند اقرارنامه قابل توجیه نیست. اینکه برخی مدعی هستند این واژه معرفت و آگاهی نسبت به آنچه را به آن اقرار می‌شود نشان می‌دهد، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً وفق ماده ۱۲۶۰ قانون مدنی، اقرار با هر لفظی که دلالت بر آن کند واقع می‌شود و ثانیاً آگاهی امری درونی است و صرفاً با بیان یک کلمه خاص نمی‌توان وجود آگاهی را در شخص مقرر محرز دانست. برای مثال، اگر قاضی وفق ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی به این نتیجه برسد که مفاد اقرار، کاشف از واقع نیست، نباید آن را معتبر بداند؛ صرف‌نظر از اینکه با چه زبان و لفظی آن اقرار واقع شده باشد. شاید نتوان وجه تمایز دقیق و متقنی برای دو واژه اقرار و اعتراف در قوانین

#### شاهنامه‌خوانی

### گشتاسب در پیشاروی گرگ مردم خوار



**مهدی افشار**

**شاهنامه‌پژوه**

نومیدی در کتاب پیشگویی‌ها پناه برده، چنین خواند که در روزگار او، ناصرداری از ایبرن می‌آید که از او سه‌کار بزرگ برمی‌آید که در سراسر روم نامش زبانزد همگان خواهد شد. نخست آنکه داماد قیصر می‌شود و بر سر قیصر افسر خواهد شد و همان‌گاه دو دد در کشور پدیدار می‌شود که رومیان از آن دو سخت هراسناک هستند و هر دو به دست آن جوان برومند کشته خواهند شد.
میرین می‌دانست جوانی گمنام با کتاویون پیوند زناشویی بسته و دانست آن جوان همان کسی است که توان نابودگرداندین گرگ را دارد.
میرین شتابان نزد هیشوی آمده، آنچه را در کتاب پیشگویی خوانده بود، بازگفت و هیشوی میرین را گفت شاد باشد که آن جوان دلیری که سخن از او گفته شده، اکنون به نخجیر رفته و دبری نخواهد گذشت که با شکاری افکنده بر پشت اسبش بازخواهد گشت. هیشوی نیم‌روزی از میرین پذیرایی کرد و پیش از پای پس‌کشیدن خورشید، گشتاسب از راه رسید. میرین در دل و بر زبان به هیشوی گفت: «شکار است با این یال و کویال و اندام قدرتمند و شکوهی که در چهره دارد، از خاندانی بزرگ است و دیدارش ستایش همگان را برمی‌انگیزد». چون گشتاسب نزدیک‌تر آمد، هیشوی و میرین به پیشوازش دویدند و بنشستند به نوشیدن و چون چهره‌شان لعل‌گونه‌گشت، هیشوی، گشتاسب را گفت: «ای دوست همام، می‌دانم در همه گیتی یاری نزدیک‌تر از من نداری و میرین نیز همانند تو برای من گرایی است. او دبیری با دانش، ارجمند و در کار پژوهش اندیشه‌های باستانی رومیان است و شمشیر سلم از پدرانش به او رسیده که جایگاه او را والایی بخشیده و اکنون در اندیشه‌های والائری است و این اندیشه را در سر می‌پروراند که داماد شاه شود. او دخت دوم قیصر روم را خواستار شده و قیصر پاسخ داده در بیشه فاستون، گرگی تیزچنگ و مردم‌خوار، مانند هیون است. اگر آن گرگ به دست او کشته شود، با خشنودی چنین پیوندی را می‌پذیرد و اگر تو پذیرای این کار بزرگ شوی، من خود بندهات می‌شوم و میرین به پایت زر و گوهر می‌افشاند». گشتاسب توانایی و دلیری خویش را باور داشت، به همین روی گفت کاری رو می‌نماید و پرسید: «آن بیشه که گرگ در آنجا خانه دارد کجاست و این گرگ که بسیار هولناک می‌خواندیش، چه ویژگی‌هایی دارد». هیشوی

#### خبر خوانی

### درخواست ۳۰۰ هنرمند صنایع دستی برای معافیت مالیاتی

از هنرمندان و استادکاران، بار دیگر بر معافیت هنرمندان حوزه صنایع دستی از پرداخت مالیات مستقیم صحه گذاشت.
اینک با توجه به افزایش نجومی قیمت مواد اولیه و هزینه‌ها از یک سو و کاهش توان خرید صنایع دستی از سوی مردم و از سوی دیگر، قطع بیمه هنرمندان و برقرارنکردن بیمه برای بیش از ۴۵۰ هزار هنرمند دارای مجوز، حذف معافیت مالیاتی هنرمندان صنایع دستی تیر خلاصی بر پیکر تحفیف و بی‌جان صنایع دستی کشور با بیش از دو میلیون شاغل است.
آنان در پایان درخواست کرده‌اند: «ما فعالان حوزه صنایع دستی کشور با تدوین و امضای این نامه از دولت و مجلس درخواست داریم منوط به پرداخت مالیات مستقیم هنرمندان و تولیدکنندگان صنایع دستی از برنامه هفتم توسعه کشور حذف شود. همچنین خواستار اجرای کامل همه بندهای قانون حمایت از هنرمندان و استادکاران هستیم».

بیر در پاسخ گفت: «دو دندان او چون دو دندان بیل است و اندامی مانند بیل نیز داراست. شاخ‌هایی به رنگ آبنوس دارد و چون به خشم آید، از هر اسی پرتشاب‌تری می‌دود و بسیاری از پهلوانان رومی با گرز گران رفته‌اند و ناکام بازگشته‌اند که به‌راستی باید آن را ازها خواند، نه کرگ».
گشتاسب به میرین گفت برای او شمشیر سلم واسبی درشت‌اندام و چابک‌کام بیاورد و میرین ششادمان به خانه بازگشت و آنچه گشتاسب خواسته بود، همراه با خفتان و کلاه رومی و پیشکشی‌های بسیار از زر و گوهر بیاورد.
دگر روز چون خورشید پیراهن سیاه‌شب را بدرید و از برده بیرون آمد، جهانجوی میرین خود را به هیشوی رساند و از راهی دیگر، گشتاسب نیز به هیشوی پیوست و گشتاسب به ستایش، به آن‌همه پیشکشی و شمشیر و اسب بنگریست. میرین ششادمانه برای هیشوی نیز که میانجی شده بود، پیشکشی‌های جنئی آورده بود.
گشتاسب بی‌درنگ خفتان بپوشید و آن اسب نبرد را به زیر ران آورد، کمان‌ها به زه کرده، بر شانه افکند و بر بازویش کمندی جای داد. هیشوی و میرین او را تا بیشه فاستون همراه شدند و با انگشت نشان دادند که جایگاه آن گرگ کجاست.
چو نزدیک شد بیشه و جای گرگ/ بیبجد میرین و مرد سرگ/ به گشتاسب نمود انگشت راست/ که آن ازها را نشینم کجاست/ و زو بازگشتند هر دو به درد/ بر از خون دل دیده پر آب زرد/ گشتاسب با دلی براندیشه به بیشه‌کام نهاد و از پیروردگار و فرزندگردش روزگار، باری خواست و زیر لب گفت: «اگر آن ازها بر من پیروزی جوید، چون پدرم بشنود، خواب به چشم‌انش راه نخواهد یافت. که گر بر من این ازدهای بزرگ/ که خواند ورا ناخردمند گرگ/ شود یادشا چون پدر بشنود/ خروشان شود، زان سپس نغفود، اگر من شوم زین بد دد ستوه/ بیوشم سر از شرم پیش گروه. آن‌گاه کمان زکرده را از شانه برگرفت و از تیردان تیری لماس‌پیکان برگزید و در خانه کمان گذاشت.
گرگ گشتاسب را در بیشه بدید، خروشی برآورد که تا ابر سیاه پژواک گرفت و روی زمین را به چنگ برکند، نه به شیوه ببر و پلنگ که به گونه‌ییلی که پای بر زمین می‌کوبد. چون گشتاسب با این هیون غول‌پیکر روبروی شد، از آن‌همه سترگی و درشتی در شگفت ماند و گشتاسب را سر آن نمود که بر هیون پشت کند.

طرح تابستانه کتابخانه‌های حامی

**امسال نیز کتابخانه‌های حامی میزبان کودکان و همه اهالی روستا برای اجرای این طرح تابستانی شاد و آموزشی هستند.**

**ارسال وسایل به ۳۳ کتابخانه فعال روستایی و ۳۰ کتابخانه مدارس**





hamiassociation.org

@hami-association

Tel: +۹۸۰۸۸۳۰۱۷۷

انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی

**من یک حامی هستم**

♥️💙💚

